فهرست

 **مقدمه 2**

دلیل چهارم4

 احتمال اول4

 **احتمال دوم5**

احتمال سوم6

 نتیجه 6

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

# مقدمه

عرض شد که در روابط میان انسان ها از جهت مسائل جنسی و غریزی صوری متصور است که عبارت است از نظر و امثال اینها و ما به ترتیب مسائلی را متعرض شدیم که عمدتا در باب نظر بود. منتها اگر بخواهیم تنظیم بکنیم در آینده باید به این شکل تنظیم کرد که از قواعد عامه میان انسان ها چه مخالف چه موافق وجود دارد و آنها قواعد عامه ای وجود دارد که یکی از آنها نظر با التذاذ بود. آنجا عرض کردیم در کلام فقها بیان می شود نظر با التذاذ اما گفتیم که اعم از نظر است هر تماسی که بین جنس مخالف و موافق برقرار شود و همراه با التذاذ باشد با تفاصیلی که عرض کردیم آن مشمول حکم حرمت می‌شود یعنی حرمت قصد التذاذ یا التذاذ میان انسانها چه جنس مخالف چه جنس موافق. این یک قاعده بود که مفصل بحث کردیم و بیش از ده دلیل برای حرمت آن آوردیم وحدود و شرایط و ضوابط آنرا هم متعرض شدیم.

عرض کردیم که این قاعده از چند جهت قاعده عامه است یکی اینکه اختصاص ندارد به نظر و هرنوع ارتباط و تماسی که براساس التذاذ جنسی و غریزی و شهوانی باشد محکوم به حکم حرمت بود اعم از نگاه یا لمس یا حتی استشمام و امثال اینها با همان ده ادله ای که آنجا متعرض شدیم. و همینطور آن قاعده عام بود از این جهت که مختص بین جنس مخالف نبود بین زن و مرد نبود و بین دو مرد یا دو زن و یا زن و مرد این نوع علاقه مبنی بر التذاذ و قصد التذاذ شهوانی محکوم به حرمت بود از این جهت هم عام بود و جهت دیگر این بود که اختصاص نداشت به آنجایی که نظر ذاتا حرام است بلکه اعم از بود که نظر ذاتا حرام باشد یا نه یا لمس ذاتا حرام باشد به عنوان اولی یا نه این یک عنوان عام فراگیری بود که هم نظر و هم سایر روابط را در بر میگرفت و اختصاص به نظر نداشت این یک قاعده بود. نظیر آن قاعده دوم بود که سال قبل آنرا شروع کردیم و آن ریبه بود و در کلام فقها باز هم نظر با ریبه آمده است ولی سال قبل عرض کردیم که اختصاص به نظر ندارد و از این دو سه جهت عموم دارد و نظر با ریبه در این قاعده خصوصیتی ندارد. تماسی که با دیگری باشد و در آن ریبه با همان معانی که عرض کردیم وجود داشته باشد محکوم به حرمت است اعم از اینکه ریبه میان جنس موافق یا مخالف باشد و اعم از اینکه در نظر یا انواع دیگری از تماس باشد.

ملاحظه بفرمایید که این دو قاعده از قواعد عامه در روابط جنسی و شهوانی میان انسانها ست البته این دو قاعده از جهت دیگر هم شمول دارد که باید به آن توجه کرد گرچه شاید در ادله باید یک دقت مجددی در التذاذ داشت و آنهم این است که ممکن است بگوییم حتی اختصاص به روابط انسانی ندارد و با موجود دیگر حیوانی باشد. از این جهت است که این دو قاعده را باید از قواعد عامه در مورد روابط جنسی با دیگران به شمار آورد اعم از اینکه دیگران جنس مخالف باشد و اعم از اینکه این رابطه نظر باشد یا لمس باشد. این دو قاعده موضوعش رابطه جنسی است با دیگران اعم از اینکه این رابطه نظر باشد یا چیز دیگر و اعم از اینکه دیگری جنس مخالف یا موافق باشد بلکه غیر انسان باشد. و این دو قاعده بر این اساس و شمولی که دارد اختصاص ندارد به جایی که نظر فی حدنفسه حرام است بلکه نسبت به محارم هم که نظر جایز است یا نسبت به جنس موافق هم که نظر جایز است این قاعده حاکم است. اگر این دو عنوان آمد در رابطه میان انسانها که در ان التذاذ صورت گیرد حرمت ایجاد می‌شود به عنوان قواعد عامه ثانویه.

سوال: در اینجا منظور رابطه جنسیتی است؟

جواب: نخیر، قید شهوانی است یعنی رابطه است که در فضای شهوانی باشد یا قصد و التذاذ شهوانی یا ریبه ای که در دایره شهوانی است شکل بگیرد و غیر این را شامل نمیشود یعنی در واقع این قاعده ان رابطه از منظر شهوانی و غریزی است و آن قیود را ندارد که این رابطه با چه کسی باشد محارم و غیر محارم همه را در برمیگیرد. این رابطه چه رابطه ای باشد نظر یا لمس بازهم شمول و اطلاق دارد. دایره آن غرایز و روایط جنسی است به نحو عام و از لحاظ اینکه چه رابطه ای و با چه کسی این رابطه برقرار شود شمول دارد. قصد التذاذ و هم این قاعده دومی که بحث شد.

این یک مقدمه ای بود که بحث شد اما قاعده دومی که شروع کرده بودیم بحث ریبه بود در این قاعده چهار پنج قاعده داشت یکی این بود که ریبه به چه معناست که سه چهار معنا بیان شد و بعضی نکات دیگر در قاعده دوم مطرح شد. بعد هم پرداختیم به ادله ای که در کلام فقها در نظر با ریبه که در آن خوف وقوع به حرام است یا میل به حرام است یا خطور صحنه های جنسی است با معانی که ذکر شد و وارد ادله شدیم و اینکه کدام یک حرام است از این سه چهار معنا، عرض کردیم که در هر دلیلی باید آن معانی مدنظر قرار بگیرد این بحث را در هر دلیلی ملاحظه هم خواهیم کرد. البته اقوال را هم ذکر کردیم در ابتدای بحث.

در ادله دلیل اول که قبلا بحث کردیم دلیل لبی بود که اجماع و مضاق و ارتکاز بود با دوسه تقریر که در دلیل اول قرار دادیم دلیل دوم عبارت بود از آیه شریفه ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ دلیل سوم آیه شریفه ﴿فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ بود که آیه شریف را محل بحث قرار دادیم ﴿الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ، فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ این آیه شریفه بود که سه مقدمه داشت و بعضی از مقدماتش دارای اشکال بود این سه دلیلی بود از ارتکاز و اجماع و دو آیه شریفه که مورد بحث قرار گرفت.

# دلیل چهارم

 اما دلیل دیگری که از آیات ممکن است مورد استشهاد و استدلال قراربگیرد عرض میکنیم، این دلیل دیگر در کلام آقایان نیامده یعنی در نکاح مرحوم شیخ و بحث های آقای خویی و حضرت آقای زنجانی نیامده حداقل در نگاه هایی که من داشتم این دو دلیل که عرض میکنیم آنجا نیست. این دلیل آیه دیگری است که در سوره اسراء آمده و میفرماید ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ این آیه در ابتدا میگوییم ربطی به بحث ندارد و میگوید زنا انجام نشود مثل بقیه آیاتی که در مورد زنا آمده یا روایاتی که در نهی زنا آمده و تعبیر ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ یعنی مرتکب زنا نشوید اما در عین حال ممکن است این آیه با تقریری جزء ادله ریبه یا حتی جزء دلیل اول قرار بگیرد که آنجا هم عرض نکردیم این دلیل را. در مقدمه ملاحظه کردید در سوره اسرا که ده یا پانزده تا از تکالیفی است که در آن آیات به شکل مسلسل وارد شده که یکی همین ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ است چندتا حکم در این آیات وارد شده که این آیه 32 است و از آنجا شروع می‌شود که ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ که احکامی در رابطه انسان با خدا و پدر و مادر را ذکر میکند تا بعد میگوید وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ و احکامی به همین صورت ذکر می‌شود و در ادات این احکام میفرماید ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ آیه 32 و در ادامه هم وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ دارد و باز در آیه بعد دارد ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ و وَأَوْفُوا الْكَيْلَ﴾ و همینطور قریب به 15 حکم در این جا وارد شده که یکی از آنها ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ است تقریری که برای این استدلال ممکن است ذکر شود این است که آیه نگفته زنا نکنید لاتزنوا، اگر تعبیر لاتزنوا بود و نهی روی ماده زنا آمده بود دقیقا متمرکز روی زنا بود ولی اینجا دارد ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ و واژه قرب آمده و ممکن است کسی بگوید ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ یک مفاد موسع از لاتزنوا دارد نزدیک زنا نشوید یعنی آنچه را در آن احتمال به زنا هم هست را ترک کنید اگر ما این معنا را در وَلَا تَقْرَبُوا در نظر بگیریم در واقع آیه یک دایره احتیاطی را بیان میکند به خاطر شدت نهی از زنا دایره را توسعه داده و میخواهد تحفظ کند از صیانت مکلفین از زنا که حتی به این شکل دایره نزدیک آن هم وارد نشوند. و آنچه که از مقدما ت که ممکن است فرد را به زنا نزدیک کند از آن هم نهی می‌شود ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ به این معنا است. اگر کسی بگوید ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ به این معناست آن وقت می‌شود گفت اموری که در مظان این است که فرد را به زنا بکشاند مانند ریبه که ریبه هم یکی از معانی اش این بود که خوف وقوع در گناه و لااقل در زنا که بعد خواهیم گفت که این اخص است یعنی اقدامی که نگرانی در آن است و احتمال عقلایی وجود دارد که شخص را به گناه بکشاند این در دایره نهی قرار میگیرد پس تقریر مسئله این است که ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ تعبیری اوسع از لاتزنوا دارد مفهومی آکد از لاتزنوا دارد و میگوید نزدیک زنا نشوید یعنی علاوه بر اینکه خود آن حرام است اموری شخص را به آن نزدیک میکند هم حرام است.

## احتمال اول

 این تقریری است که میتوان برای این آیه ذکر کرد در تحقیق در مسئله باید این طور گقت که این تعبیر لَا تَقْرَبُوا را دو جور می‌شود معنا کرد در چند جای قرآن هم آمده هم در مورد زنا آمده هم ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ﴾ آمده در چند جای قرآن نهی رفته روی تقریب به گناه این را دو جور میتوان تفسیر کرد یکی این‌که لاتقربوا یعنی لاترتکبوا در معنای اول قرب یعنی همان ارتکاب قرب یعنی نیل به شیء، وقوع در عمل لاتقربوا یعنی مرتکب نشوید درست است که معنای قرب دایره نزدیک به شیء که نیل به شیء هم نیست در اینجا قرب به معنای نیل است یا اینکه به معنا قرابت و نزدیکی و فاصله است و به معنای کنایی یعنی لاترتکبوا یک تاکیدی هم در این آیه هست و این را هم میپذیریم و لاتقربوا یعنی ﴿لاترتکبوا الزنا﴾، ﴿لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ﴾ یعنی تصرف در مال یتیم نکنید ﴿و لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ اینها میخواهد مقدمات را بگوید یعنی نماز در حال مستی نخوانید قرب به شیء در معنای اول یعنی همان ارتکاب به شیء و این آیه هم شبیه ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ البته یک چاشنی تاکیدی در این هست ولی نه در حد این‌که مدلول این خطاب چیزی فراتر از ارتکاب زنا بشود، نه میگوید ارتکاب زنا انجام نشود ارتکاب نماز با حالت مستی انجام نشود ارتکاب تصرف در مال یتیم انجام نشود این یک معناست که غالبا این جور تلقی دارد که این تلقی دلیل را از دلالت بر بحث التذاذ یا ریبه ساقط میکند و میگوید ارتکاب نکن و کار به مقدمات که میتواند رابطه ای به زنا داشته باشد و شخص را به او نزدیک بکند ندارد.

سوال: آیه سوره انعام هم شاید همین مقصود را داشته باشد ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ...﴾

جواب: بله این آیه را هم عرض میکنیم آنجا یک نکات اضافه ای هم دارد ولی از این نظر همین است در سوره انعام هم دارد ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ﴾، در هر صورت ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ یعنی لاتَرتَکِبوا، ﴿لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ﴾ یعنی لاتَرتکِبوا، ﴿لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ﴾ یعنی لاتَرتَکِبوا و بنابراین دلیل نمیتواند این بحث را برساند

## احتمال دوم

این است که بگوید نه اینجا قرب یعنی نزدیک شدن به شیء نه ارتکاب که معنای لغوی هم همین است که قرب لااقل نزدیک بودن شیء را هم میگیرد و قریب به اوست یعنی نزدیک اوست ولو اینکه به او واصل نشده باشد و این احتمال دوم مبتنی بر این است که معنای لغوی این است و اصل هم این است که حمل شود بر معنای حقیقی قرب به شیء یعنی نزدیک شدن و در شعاع شیء قرار گرفتن بله در معنای مجازی به معنای ارتکاب هم به کار میرود ولی معنای حقیقی قرب همین کم کردن فاصله است و در شعاع نزدیک قرار گرفتن است این ه م احتمال دوم است که در معنای حقیقی به کار میرود ولی ممکن است کسی اشکال کند که اگر این را بر معنای حقیقی حمل کنیم معنایش یعنی اینکه به خود زنا کارندارد و یعنی پیرامون زنا حرکت نکنید و پیرامون فاحشه نروید و بنابراین خود آن را نمیگیرد که خیلی بعید است که خود ارتکاب را نگیرد بلکه اعمالی که جز مقدمات آن است را بگیرد و این بعید است. جوابی که می‌شود داد این است که این بعید نیست زیرا وقتی آیه به مدلول مطابقی میگوید نزدیک به آن نشوید به مدلول التزامی و فهوا میگوید این حرام است این اشکالی ندارد این اشکالی به وجه دوم وارد نمیکند و اگر کسی بگوید لاتقربوا را حمل بر مقدمات کردن خلاف ظاهر است و ظاهراین است که میخواهد خود زنا را بگوید می گوییم نه این خلاف ظاهر نیست از این جهت مشکلی ایجاد نمی کند برای اینکه وقتی میگوید به مقدماتش هم نپردازید به طریق اولی خود آن هم حرام است این هم یک احتمال دومی است که اینجا وجود دارد

## احتمال سوم

اینکه بگوییم هردو در لاتقربوا وجود دارد و جمع این دو احتمال است احتمال اول این است که لاتقربوا یعنی لاترتکبوا، احتمال بعدی این است که لاتقربوا یعنی محرمات آن یعنی آنچه که شخص را به دایره آن نزدیک میکند مقدمات را منع میکند و خود زنا را از فهوا استفاده میکند و احتمال سوم این است که هردو در مفهوم قرب هست چون قرب در نیل به شیء به کار میرود هم درنیل به مقدمات شیء به کار میرود و چه بگوییم اینجا به نحو مشترک معنوی یا به نحو مشترک لفظی هردو معنا در این ملبوس است. حالا به نحو اشتراک معنوی یا به نحو اشتراک لفظی لاتقربوا نه به مدلول فهوا و التزام دارد میگوید هم از زنا پرهیز کنید هم از مقرمات به آنچه شخص را به آن نزدیک میکند و آماده ارتکاب میکند پرهیز کنید.

سوال: اگر مشترک لفظی باشد ما نیاز به یک قرینه معینه داریم

جواب: بله ما قرینه میخواهیم مشترک لفظی استعمال لفظ از معنا جایز است اما قرینه میخواهد ممکن است کسی بگوید خود این لسان حال و شرایط این خطاب و اهمیت موضوع خودش قرینه است که میخواهد این را بگوید.

# نتیجه

این احتمالاتی است که در اینحا متصور است که این ﴿لَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾ فقط نهی از ارتکاب زنا است والسلام و این نقل مشهور این است که مفسرین هم شاید همین را تفسیر کرده باشند مانعی ندارد که در حمل احتمال اول یک عنایت و تاکیدی در کار باشد ولی نه در حداین‌که بخواهد حکم را ببرد روی دایره احتمالات و اما بنابر احتمال دو و سه با بحث ما ارتباط پیدا میکند یعنی میتواند از ادله بحث چه در اینجا چه در قاعده التذاذ شهوانی از آیه استفاده شود.

سوال: قدر متیقن این است که اگر قصد زنا همراه باشد در نگاهش یعنی نگاه میکند اما قصد زنا ندارد و میگوید ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا﴾

جواب: نه این اینجا مشمول نیست و از آیه قصدرا نمیشود استفاده کرد.

آنچه که آقایان به التزام دارند این است که شبیه این در جاهای دیگر قرآن آمده مثل جایی که میگوید﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ خیلی بعید است که بگوید در حالت مستی حتی مقدمات نماز را هم انجام نده و نزدیک آن هم نشوید بلکه میخواهد بگوید نماز نخوانید درست است که قرب مفهومی دارد که میتواند به معنای دوم و سوم حمل شود ولی استعمال لاتقربوا در لاترتکبوا خیلی به جا و قوی است شاهدش هم ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ یا ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ اینجا بعید است که بگوید مقدماتش را هم انجام ندهید و نزدیکش هم نروید اینجا میخواهد شدت حرمت خود آن عمل را بیان کند منتها با این تعبیر آورده و این بعید است که واقعا مقدمات را هم مدنظر قرار دهد پس این استعمال به صورتی است که همان ارتکاب را در بردارد منتها شدت حرمت را با این بیان میرساند و بیانی است که در تاکیدی است و تاکید همان ذی المقدمه است اینکه بخواهد مقدمات را تحریم کند بعید است و با جای دیگر قرهآن هم که داریم سازگار نیست.

سوال: اینجا استعمال مجازی است یا کنایی؟

جواب: اینجا استعال کنایی است و مجاز است و در معنای اصلی به کار نرفته لاتقربوا یعنی لاترتکبوا ولی به خاطر اینکه شدت حرمت عمل را برساند آورده است روی قرب آن ولی نه اینکه مقصود حقیقی مقدمات باشدمقصود او و داعی جد او متمرکز بر روی خود عمل است منتها این تعبیر یک تعبیری است که حدت و شدت و تاکّد آن عمل را میرساند

سوال: اینجا چون نیم نگاهی به معنای وزنی کلمه است بلاغت میگوید مجاز ندیم و اصطلاحی می‌شود و عنایتی به معنای اولیه نداریم و معنای مطابقی

جواب: بله بحث های معانی در جای خودش ولی این‌که از دایره وزن بیرون رفته فرقی نمی کند

این یک‌جهت که میگوییم علی‌رغم اینکه معنای حقیقی نیست ظهور عرفی است و شاهدش هم استعمالات دیگر است و تقریر دیگری برای احتمال اول می‌شود گفت و این است ک قرب دو معنا دارد این هم ممکن است یک معنای قرب حاشیه شی‌ء است و یک معنا یعنی نیل به شی‌ء این یک حرف است اگر بشود شاهدی هم برایش پیدا کرد به نظرم شاهد پیدا می‌شود که آیا قرب به معنای مقابل بعد است ولی هردو یعنی خارج از شی‌ء گاهی بعید از آن هستیم گاهی قریب به آن ولی درهرحال جدای از آن هستیم و لاتقربوا را بگوییم به معنای لاترتکبوا است و معنای مجاز کنایی است و معنای حقیقی نیست اما اگر کسی بگوید معنا حقیقی است و قرب یک کاربرد آن در فاصله حقیقی به شی‌ء است در مقابل فاصله دور اما یک کاربردش نیل به شی‌ء است یعنی وقوع به شی‌ء و وصول به شی‌ء و کاربرد دارد این‌که مواردی پیدا کنیم که قرب به معنای نیل باشد قرب در هر مرتبه یعنی در همان‌جا قرب وجود دارد و نیل هم هست اینجا دیگر مجاز هم نمی‌شود. اگر قرب را به معنای نیل بگیریم یعنی همان وقوع در نماز و نیل هم دارد و معنا حقیقی است. قرب دو معنا دارد که اوج آن وصول است پس لاتقربوا سه معنا دارد 1- معنای لاترتکبوا 2- عدم انجام مقدمات 3- هردو در این معنا منظور باشد و احتمال اول را تقویت کردیم که ظهور همان عدم ارتکاب است. شاهدش هم استعمالات دیگری است که وجود دارد. اما اینکه چطور تقریر شود دو نحو است:

1. اینکه استعمال مجازی است اما به نحوی که ظهورش در حقیقت غالب شده

2. استعمال در خود عدم ارتکاب معنای حقیقی است. یا اینکه حب دو معنا دارد که یکی این است یا اینکه معنای مشترکی دارد که منطبق بر این می¬شود.

احتمال اول اقرب است. حال تردید هم اگر داشته باشیم آنکه قطعا می دانیم در آیه ملحوظ است همان عدم ارتکاب است و بیش از آن را تردید داریم و نمی توان پذیرفت. پس احتمال اول ترجیح دارد و اگر تردید داشته باشد قدر متیقن همان عدم ارتکاب است.

البته این مانع از برداشت نکته معانی بیانی نیست. آن نکته معانی بیانی این است که این تعبیر تأکید بیشتری بر حرمت دارد. اگر جایی بگوید لاتزنوا نهی است. بفرماید لاتقربواالزنا نهی اکید است. پس تمام این بحث ها و ترجیح احتمال اول نافی تأکید در آیه نیست. آیه به نحو اکیدی نهی می کند. لاتقربوا الزنا لاتقربوا مال الیتیم حتی بنا بر احتمال اول که بگوییم کار به مقدمات ندارد بیان اکیدی برای حرمت فعل است. در این تردید نیست. اینها نکاتی است که در آیه است. آیات بعدی هم آیات سوره انعام است:

﴿قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلاَّ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتي‏ حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُون‏﴾

آنجا هم چندین حکم را در عداد هم فرموده است و آیات سوره اسراء و انعام چند تا شبیه هم است. از جمله این قسمت که:

﴿وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ﴾